

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۶ سپتمبر ۲۰۲۲

تف سربالای "گلبدین"!

پنجشنبه- ۲۴ سنبله ۱۴۰۱ - کابل: امروز حین گشت و گذار در رسانه های خارجی، متوجه مصاحبه ای شدم که "گلبدین" با سایت "سپوتنیک" روسی انجام داده بود. در نخستین سؤال خبرنگار از وی می پرسد تا نظرش را در مورد جنگ بیست ساله اخیر در افغانستان ارائه دارد، "گلبدین" می گوید:

"حمله بر افغانستان یک جنایت بزرگ تاریخی بود، هیچ توجیه اخلاقی و انسانی نمی توان برای این داشت، یک

تجاوز صریح ..."

با نکر چنین حکم که در درستی آن هیچ جای شکی نیست، حتماً در ذهن تان خواهید پرسید: "مشکل عمر با این حکم چیست؟ آیا با چنین حکمی مخالف است و اگر مخالف نیست، در چه مورد می خواهد بحث نماید؟" هموطنان گرامی!

بحث اساسی در همین نکته تمرکز یافته، امیدوارم با حوصله آن را تعقیب و در صورت نیاز آن را تکامل دهید.
۱- بحث مان را از این نکته آغاز می نمایم که افغانستان در سال ۲۰۰۱ قرار دارد، امپریالیسم امریکا گستاخانه بر کشور ما از زمین و فضاء هجوم آورده بعد از حدود یکماه بمباران های سنگین، مرگبار و لاینقطع شهر ها و روستا ها، سرانجام نوکران متمدن را فرار ساخته حاکمیت دست نشانده و پوشالی "حامد کرزی" به کار می گمارد. این عمل امریکا با واکنش های متفاوتی مواجه می گردد. از جمله:

* - تعدادی بدون اگر و مگر و به اصطلاح از ته دل این عمل امریکا را یک اقدام خیر، انسانی، مطابق با تمام قوانین ملی و بین المللی دانستند؛

* - تعدادی دیگر این تجاوز عریان و امپریالیستی را با کاربرد "مداخله نظامی" می شود گفت رقیق ساختند؛

* - جمعی دیگر از هموطنان ما، این حمله را تجاوز و جنایت اعلام داشتند.

۲- آنهایی که تجاوز عریان و جنایتکارانه امپریالیسم امریکا را یک حرکت خیر و به نفع مردم افغانستان و مطابق با منشور ملل متحد دانستند، ردیلانه مگر شجاعانه رفتند در زیر رکاب امپریالیسم امریکا به کشتار خلق ما پرداختند. افرادی از قماش "حامدکرزی، غنی احمد زی، جلالی، احدی، دادفر، اسپنتا و ..." و نهاد هایی مانند "شورای نظار، جمعیت اسلامی، بخش هائی از باند "گلبدین" زیر نام انشعابی، بقایای محاذ ملی خان گیلائی، و جبهه نجات خاندان

مجددی، افغان ملت، تمام جناح های حزب وحدت، جنبش اسلامی و طرفداران خاندان سید کیان". شجاعت آنها در این بود که وقتی گوه را خوردند، قاشقش را هم به کمر بسته با تمام نیرو در صدد تقویت نظام مستعمراتی کابل برآمدند. یک درجه پائینتر از اینها، یعنی کسانی که تجاوز جنایتکارانه امپریالیسم امریکا و شرکاء را "رفیق" ساخته، نخست "مداخله نظامی" و بعد ها به اجبار "تجاوز" گفتند، مگر در قسمت دفع تجاوز و حقانیت مبارزه مسلحانه علیه تجاوز آزمندی های مادی، دریافت کمک ها، انجو ها و مدالها پای شان را لغزاند و در مدت ۲۰ سال ضمن فروش گذشته جنبش انقلابی و سازمانی-تشکیلاتی شان، هم به میخ زدند و هم به نعل، چه از موضع افراد و چه هم نهاد هائی مانند خلقی- پرچی ها، ستمی ها، به اصطلاح تازه اندیشان توابع، رهبری خاین سازمان رهائی و پیروانش، رهبری خاین آن زمان "ساما"، "باند حسین خاین"، و ... در واقع با دنباله روی از طیف اول و در خدمت آنها به مردم، کشور، جنبش انقلابی و ضد امپریالیستی و حتا نهاد های خودشان خیانت ورزیدند.

طیف سوم به همان سان که تجاوز فاشیستی امپریالیسم امریکا را محکوم نمودند، در حد توان شان علیه این تجاوز ایستادند نه تنها همکاری با آن را ننگ تاریخی دانستند بلکه همکاران آنها را نیز متهم به خیانت نمودند، هرچند نمایندگان سیاسی آنها در مقایسه با دوطیف خاین اولی از لحاظ عددی کمتر به نظر خوردند، مگر در عمل نه تنها از جنبش انقلابی کشور و تاریخ پرشکوه مبارزاتی آن نمایندگی می کردند، بلکه سخنگوی اکثریت خاموش خلق ما نیز بودند.

۳- حال وقتی "گلبدین" به گفته استاد "موسوی" این "تجسم ننگ و نفرت" می آید و حمله امپریالیسم امریکا را بر افغانستان "یک جنایت بزرگ تاریخی" معرفی می نماید، آیا مردم حق ندارد از وی بپرسند: "تو که این حمله را جنایت می دانستی، چرا با حاکمیت پوشالی و دست نشانده، رسماً به نام خودت عقد اخوت و برادری بست؟ و با دخترکت یکجا به ارگ حاکمیت پوشالی جهت تضمین عقد قرارداد با آنها رفتی؟ چرا بیش از ۵ سال از همین حاکمیت معاش گرفته به دعا و ثنای آن مشغول شدی؟ چرا در بالماسکه های انتخاباتی که حاکمیت پوشالی به وجود آورد شرکت نموده، عملاً و رسماً بر مشروعیت یک نظام محصول تجاوز صحه گذاشتی؟ چرا زیر عنوان اجرای موافقتنامه، چند میل سلاح طرفدرانت را تحویل اشغالگران امریکائی و نوکران زرخزیدش نمودی؟ و ..."

هموطنان گرامی!

همان طوری که در عنوان این مختصر نگاشته ام، حکم امروز "گلبدین" که حمله امریکا بر افغانستان "یک جنایت بزرگ تاریخی" می داند، همان تف سربالائی است که بر رخسار تف کننده فرود می آید. یعنی "گلبدین" که در طول حیاتش به مثابه یک عامل رسوای امپریالیسم عمل و سالها از خوان یغمای امپریالیسم ارتزاق نموده است، امروز که اوضاع را به نفع دوام نفوذ امپریالیسم امریکا و شرکاء از مجرای خودش مساعد نمی بیند و متیقن شده است که نزد امپریالیسم امریکا کلاً یک مهره سوخته است، می خواهد با انتقاد از امپریالیسم امریکا و تجاوز، بر روی فیرگون رخسارش سفیداب تازه بمالد و امیدوار است که خریدار دیگری به سراغش برود.

این خاین به وطن و قاتل فرزندان پاکباز این مرزوبوم نمی خواهد بپذیرد، که مردم او را چنان شناخته اند که هیچ تعویض لباس، قلاده و بادر، نمی تواند برایش سودی به همراه آورد. او نه تنها "قصاب کابل" در اذهان باقی می ماند، بلکه خاین به وطن و "قصاب مردم سراسر کشور" نیز شمرده می شود.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی-طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!